

نصیحت

از تصنیفات عالم ربانی و حکیم صمدانی

مرحوم آقای حاج میرزا محمد باقر صمدانی

اعلیٰ اللہ مقامہ الشریف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين .

و بعد؛ چنین گوید این بنده خاکسار که مذکور شد در بعضی از بلاد بعضی از جهال خود را منسوب به شیخ مرحوم (اعلی الله مقامه) کرده اند و خود را معروف به انتساب به آن جناب کرده اند و زبان طعن و لعن به سایر علماء گشوده اند و اظهار عقاید فاسده کرده اند و مشغول به فسق و فجورند به طوری که اهل آن بلاد به واسطه اقوال فاسده و اعمال کاسده ایشان چنین گمان کرده اند که این فساق فجار کفار در ادعای خود صادقند و چنین گمان کرده اند که طریقه شیخ مرحوم (اعلی الله مقامه) این است که در دست این جهال است و علمای تابعین آن بزرگوار هم اعتقادشان اعتقاد همین جهال و عملشان مانند عمل ایشان است؛ پس به این واسطه بیزاری می جویند از شیخ مرحوم (اعلی الله مقامه) و تابعین ایشان .

پس چون این حکایات مذکور شد و شخص خیر خواهی اصرار نمود، لازم شد که چند کلمه به طور اختصار در این خصوص عرضه دارم که مردم حالت علماء را به حالت جهال قیاس نکنند چرا که اول کسی که در دین خدا قیاس کرد شیطان بود و بعد تابعان او .

پس عرض می کنم که اگر چه صدق و کذب این حکایات بر من معلوم نشد و غالب اخبار اهل آخر الزمان بی اصل است و لکن مختصری عرض می کنم که اگر کسی در جایی بدی گفته و بدی کرده معلوم شود که آن بدی دخلی به شیخ مرحوم (اعلی الله مقامه) و تابعان ایشان ندارد و عقلاء می دانند که بدی بعضی از جهال و فساق دخلی به بزرگان ندارد چرا که این جماعت فساق و فجار که بد گفته و بد کرده اند و مع ذلک خود را نسبت به شیخ مرحوم (اعلی الله مقامه) داده اند، همین جماعت خود را نسبت به ائمه طاهرین (علیهم السلام) هم می دهند و می گویند ماها شیعه اثنی عشری هستیم و همچنین این فساق و فجار که می گویند شیخی هستیم می گویند که ماها مسلمانییم و محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) را پیغمبر برحق می دانیم و همچنین می گویند که ماها بندگان خداییم. پس اگر کسی بدی ایشان را قیاس می کند به بدی بزرگان، باید بگوید که بدی ایشان از جانب ائمه هدی و رسول خدا (علیهم السلام) بلکه بدی ایشان از جانب خدای (عزوجل) است چرا که این جماعت ادعا می کنند که ماها بنده خدا و امت پیغمبر و شیعه ائمه طاهرین (علیهم السلام) هستیم و اگر بدی ایشان دخلی به خدا و رسول او (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) ندارد و از خود ایشان است و خودشان معصیت خدا و رسول و ائمه (علیهم السلام) را کرده و ایشان او را امر به معصیت نکرده اند، همچنین شیخ مرحوم (اعلی الله مقامه) و

تابعان ایشان هم این فساق و فجار را امر به فسق و فجور نکرده اند و فسق و فجور ایشان از خود ایشان است و دخلی به مشایخ و تابعان ایشان ندارد. پس چه واداشته مردم را به اینکه محض اینکه کسی گفت من شیخی هستم و فسق و فجوری از او دیدند چنین حمل می کنند که بزرگان ایشان، ایشان را امر به فسق و فجور کرده اند و می کنند آیا هر کس که گفت من شیخی هستم باید معصوم از همه گناهان باشد؟ و حال آنکه اتفاقی کل اهل ایمان است که معصوم از همه گناهان چهارده نفر مخصوصند و باقی مردم معصوم از همه گناهان نیستند و معصیتی می کنند و معصیت ایشان از جانب خدا و رسول و ائمه (علیهم السلام) نیست، پس چرا باید معصیت کسی که خود را نسبت به مشایخ می دهد تقصیر مشایخ باشد؟ آیا مردم تقلید از سایر مجتهدین نمی کنند و آیا مقلدین مجتهدین معصیت نمی کنند؟ و آیا معصیت مقلدین موجب نقصی در اجتهاد مجتهدین می شود؟ پس چرا باید معصیت کسی را که گفت من مقلد شیخ مرحوم (اعلی الله مقامه) و تابعان او هستم نسبت داد به ایشان؟ آیا این قاعده در هیچ دینی و مذهبی بوده و هست یا محض هواست و حکم به غیر ما انزل الله است.

باری، پس هر کس که نخواهد خود؛ خود را هلاک کند بداند که از برای مذهب شیعه اثنی عشری ضروریاتی چند است که آن ضروریات مسلمیات خواص و عوام شیعه اثنی عشری است پس هر کس از آن

مسلمیات تخلف کند کافر و فاسق شود. و از جمله مسلمیات این است که مال هر کسی مال او است و بدون رضای او نمی توان در آن تصرف کرد حتی مال یهود و نصاری که در ذمه اسلام باشند حرام است تصرف در آن بدون اذن صاحب آن چه جای مال مسلمانان و چه جای مال شیعیان اثنی عشری و هر کس مال کسی را بدون اذن او بر خود حلال داند حتی مال یهود و نصاری که در ذمه اسلامند کافر است و مخلد در آتش جهنم است و والله شیخی نیست چنین کسی و والله شیعه نیست و مسلمان نیست.

و همچنین از جمله مسلمیات است که علمای اثنی عشری بزرگان و آقایان و مقربان در گاه خدا و رسول و ائمه طاهرین (علیهم السلام) می باشند و تابعان و پیروان ایشان می باشند و رد برایشان رد بر خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و رد بر ائمه طاهرین (علیهم السلام) می باشد و طعن برایشان و لعن و سب ایشان جمیعاً بر می گردد به خدا و رسول و ائمه طاهرین (علیهم السلام) و رد کننده و طعن زننده و لعن کننده بر علمای اثنی عشری کافر است و مخلد در آتش جهنم است و مسلمان نیست و مؤمن نیست و مانند سگ نجس است در ظاهر و باطن و در دنیا و آخرت. و احترام علمای اثنی عشری از اعظم شعائر ایمان است اگر چه عالمی همه علم ها را نداند و بعضی از احادیث ائمه طاهرین (علیهم السلام) را بداند و عمل کند.

و معلوم است که در میان علماء اعلم و غیر اعلم و افضل و غیر افضل و اتقی و اورع و داناتر و مقدس تر یافت می شود و همه آنها آقایان و تابعان ائمه هدی (علیهم السلام) هستند و عداوت با ایشان در امر دین و مذهب و طعن و لعن بر همه ایشان کفر است و رد کننده و طعن زننده و لعن کننده ایشان کافر است و این دین شیعه اثنی عشری است و هر کس غیر از این بگوید شیعه نیست و کافر است هر اسمی می خواهد بر سر خود بگذارد. و همچنین هر کس خلاف شرع بکند مثل مال مردم خوردن و شراب خوردن و رشوه خوردن و دزدی کردن و زنا و لواط کردن و ترک واجبی از واجبات کردن و فعل حرامی از محرمات کردن فاسق و فاجر است و واجب است بیزاری جستن از اعمال فاسقان و فاجران. پس اگر کسی نسبت به یکی از علمای اثنی عشری بی احترامی بکند و حلال داند عمل خود را والله ما او را کافر و ناصب می دانیم، چرا که به ضرورت اسلام و ایمان احترام ایشان از اعظم شعائر اسلام است. این بود مختصری که ذکر شد از برای غافلان و بی غرضان و هر کس به تفصیل بخواهد مطلع شود رجوع کند به کتاب میزان که این حقیر نوشته ام.

و السلام علی من اتبع الهدی.

حرره العبد محمد باقر در همدان در پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۹۵ حامداً
مصلیاً مستغفراً.